

# عاشورا

در

## دیوان ابوالاسود

محمد صحتی سردرودی



دیوان ابی الاسود الدؤلی، صنعة: ابی سعید الحسن السکری، المتوفى سنة ۲۷۵هـ، تحقیق: الشیخ محمد حسن آل یاسین، بیروت، ۴۸۰ص، وزیري.

### شناسه و شخصیت ابوالاسود

ابوالاسود با اوصافی چون: تابعی نامدار، قاری و مفسر قرآن، شاعر و سخنور، راوی و محدث، وصف می شود که از همفکران و یاران ابوذر غفاری بود، از او و امام علی (ع) روایت می کند و در شمار اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) نام برده می شود که با اشارت و اشراف آن حضرت، علم نحو را بنیان نهاد و مصحف شریف را نقطه گذاری کرد.<sup>۱</sup>

در مورد نام و نسب ابوالاسود اختلاف زیادی در میان مورخان و محققان دیده می شود. برخی او را عمرو بن سفیان یا سارق بن ظالم خوانده اند<sup>۲</sup> و بعضی وی را عثمان بن عمرو یا ظالم بن ظالم و یا ظالم بن عثمان و یا عمرو بن ظالم و یا این که ظالم بن سارق نامیده اند.<sup>۳</sup>

در تاریخ تولد و مقدار عمر او نیز اختلاف است. بعضی تولد وی را در روزگار جاهلیت (پیش از اسلام)<sup>۴</sup> و بعضی در «عام الفتح» دانسته اند و عمرش را در هنگام مرگ ۸۵ و یا حتی ۱۰۰ سال نوشته اند.<sup>۵</sup> اما نام و نسب وی بیشتر ظالم بن عمرو بن سفیان نوشته شده است<sup>۶</sup> و او پیوسته با کُنیت خویش «ابوالاسود» شناخته شده است و تاریخ مرگش نیز بیشتر سال ۶۹ق یا پیش از آن، بر اثر طاعون در بصره گفته شده است.<sup>۷</sup>

۱. ابن قتیبه، الشعر والشعراء، ج ۲، ص ۶۱۵؛ مرزبانی، اخبار شعراء الشیعة، ص ۳۰؛ صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة، ص ۴۰-۶۱؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۷۹-۲۸۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۷۹-۱۹۲؛ شبستری، مشاهیر شعراء الشیعة، ج ۲، ص ۳۶۱.
۲. بخاری، التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۳۳۴ و ج ۸، ص ۸۶.
۳. شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۹۵؛ پاورقی؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۴۰.
۴. افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۶۰ به نقل از ابن حجر.
۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۸۰.
۶. همان، ص ۱۷۹.
۷. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۲، ص ۲۸۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۸۰.

افتساده و او را از کتسمان کنندگان حق امام علی (ع) به شمار آورده اند! ۱۶

تنها پس از شهادت امام حسین (ع) است که ابوالاسود به سرودن اشعاری در مرثیه آن حضرت می پردازد و آنها را با احتیاط و با تقیة بسیار در میان مردم می پراکند و مردم بدون این که شاعر و گوینده آن اشعار را بشناسند آنها را به یکدیگر نقل می کنند و گاهی که بر جان خود می ترسند شعرها را به عوامل غیبی چون هاتف و جن ها نسبت می دهند. ۱۷ فقط شیخ طوسی است که یکی از پسران ابوالاسود را بدون این که نام ببرد با عنوان «ابن ابی الاسود الدؤلی» در شمار اصحاب و انصار امام حسین (ع) آورده است. ۱۸

ابوالاسود همه مسلمانان و خود را نیز در ضمن آنان، در قتل امام حسین (ع) مقصر می دید و هرگاه که از واقعه عاشورا یاد می شد آیه ۲۳ را از سوره اعراف قرائت می کرد: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ». ۱۹ بیشتر اشعار ابوالاسود هم در همین راستا و حاکی از همین معنا است. چنان که در جایی با ملامت مسلمانان، آنان را به زیر سؤال می برد و می پرسد:

أترجوا أمة قتلت حسيناً  
شعاعه جدّه يوم الحساب ۲۰

با این همه ابوالاسود از مردان نامدار تاریخ بوده و از همان آغاز، احوال و اخبار زندگانش مورد توجه دانشوران مسلمان قرار گرفته است تا آنجا که عبدالعزیز بن یحیی جلودی از دی، شیخ بصره و صحابی پرکار امام محمد باقر (ع) کتاب مستقلی را با نام «اخبار ابی الاسود الدؤلی» درباره وی نوشته بود<sup>۸</sup> که متأسفانه امروزه اثری از آن در دست نیست.

اگر ابوالاسود دؤلی را تنها در کتاب های تاریخی و رجالی معتبر و مستند نگاه کنیم خواهیم دید که او همیشه جانبدار حق و دانشمندی شیعی مذهب بوده است. تاریخ گاهی سراغ او را در صحرای خشک ریزه می دهد که برای ملاقات با ابوذر غفاری به آنجا شتافته است. ۹ و گاهی دیگر او را در بصره می بینیم که برای پیش گیری از جنگ جمل با عایشه و طلحه و زبیر به مناظره می پردازد تا آنها را از جنگ با امیر المؤمنین علی (ع) منصرف سازد. ۱۰ سپس به همراهی امام علی (ع) در جنگ جمل شرکت می جوید<sup>۱۱</sup> و در جنگ صفین نیز در رکاب امام علی (ع) حاضر می شود. ۱۲

و آن گاه که خبر شهادت امیر المؤمنین (ع) به بصره می رسد ابوالاسود به منبر رفته و همگان را به بیعت با امام حسن (ع) فرامی خواند<sup>۱۳</sup> و با سرودن مرثیه ای در شهادت امام علی (ع) معاویه را مسئول قتل امام (ع) معرفی می کند. ۱۴ به همین ترتیب است که شیخ طوسی او را از اصحاب امام علی، امام حسن، امام حسین و امام سجاده (ع) می داند. ۱۵

#### فاجعه عاشورا و ابوالاسود

حضور ابوالاسود در مواقع حساس تاریخی چندان چشم گیر نیست حتی حضورش در جنگ های جمل و صفین نیز خود جای بحث و بررسی است. تاریخ نقش او را در میادین جنگ و جهاد کم رنگ نشان می دهد و این نقش پس از شهادت امام علی (ع) رفته رفته کم رنگ تر می شود و در فاجعه عاشورا به کلی رنگ می بازد تا آنجا که حتی برخی از نویسندگان در تشیع وی به گمان

۸. نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۲۴۳.

۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۵۷-۵۸؛ علامه امینی، القدير، ج ۸، ص ۳۱۸ به نقل از واقدی.

۱۰. شیخ مفید، الجمل، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۸۰ به نقل از ذهبی.

۱۲. افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۴۰.

۱۳. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۱۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ دیوان ابی الاسود الدؤلی، ص ۱۵۷، ۲۹۲، ۴۴۷.

۱۵. رجال الطوسی، ص ۴۶، ۶۹، ۷۵، ۹۵.

۱۶. افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۴۰، ۶۸.

۱۷. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۶۱؛ جعفر الهلالی، معجم شعراء الحسین، ج ۱، ص ۵۹۰-۵۹۱، ۵۹۷.

۱۸. رجال الطوسی، ص ۸۱؛ محقق شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۵۷۰.

۱۹. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲۰. دیوان ابی الاسود الدؤلی، ص ۳۲۹.

فقد قدموا عليه بحكم جور  
فخالف حكمهم حكم الكتاب  
ستلقى يا يزيد غدا عذاباً

من الرحمان يا لك من عذاب<sup>۲۱</sup>

آیا امتی که حسین را کشتند، شفاعت جدش را در روز حساب امید دارند؟

چگونه این تواند بود در حالی که با حکم جور و جفا به او یورش بردند که حکمشان با حکم کتاب خدا (قرآن) مخالف بود.

ای یزید! زود باشد که فردا به عذابی خواهی رسید که عذاب از خدای رحمان تو را باید.

و در قطعه شعری دیگر باز مسلمانان را سرزنش می کند و با توبیخ و ملامت از مسلمانان می پرسد:

ماذا تقولون إن قال النبي لكم:

ماذا فعلتم و أنتم آخر الأمم

بأهل بيتي وانصاري ومحرماتي

منهم أسارى و قتلى ضرّوا بدم

ما كان هذا جزائي إذ نصحت لكم

أن تخلّفوني بسوء في ذوى رحمي<sup>۲۲</sup>

چه خواهید گفت اگر پیامبر از شما پرسد و به شما بگوید: شما سرآمد امت ها بودید با اهل بیتم و یاران و خویشانم چه کردید که برخی از آنان اسیرند و برخی دیگر به خون آغشته و کشته شده اند؟ این که کردید پاداش من نبود حتی اگر به شما سفارش می کردم که پس از من با خویشان و کسانم به بدی رفتار کنید.

ابوالاسود در اینجا (در بیت اخیر شعر فوق) از زبان رسول خدا (ص) به مسلمانان می گوید که به فرض هم اگر پیامبر (ص) به مسلمانان سفارش می کرد که پس از من با خانواده و کسانم به بدی رفتار کنید آن چه را که با خانواده پیامبر، مسلمانان کردند باز نمی باید می کردند در حالی که او پیوسته سفارش می کرد که پس از من با آنان به نیکی و با مهرورزی رفتار کنید و به فرمان خدا می فرمود: «قل لا أسئلكم عليه أجر إلا المودة في القربى»<sup>۲۳</sup> = بگو من برای رسالتم از شما پاداشی جز مهرورزی با خویشان و نزدیکانم را نمی خواهم.

ابوالاسود در ضمن چکامه ای که آن را در ستایش امام حسین (ع) و در مدح جوانانی که از بنی هاشم در کربلا شهید شدند سروده است فرزندان امام علی را «آل بیت محمد (ص)» می خواند و معتقد است که آنان در قرآن به «برترین مردمان» وصف شده اند و

مردم با آنان راه یافته اند که آنان خود و نیاکانشان، نیکان و برترینانند. در این قصیده ابوالاسود پس از مدح امام حسین (ع) و شهیدان کربلا به قدح و ذم قاتلان آنها می پردازد و مردم را به قیام در مقابل بنی امیه می خواند که آنها را «منافق و زورگو» می نامد:

يا ناعي الدين الذي ينعي التقى

فم فأنعه والبيت ذَا الأستار

أبني على آل بيت محمد

بالطف تقتلهم جفاة نزار

سبحان ذي العرش العلى مكانه

أتى يكابره ذو الأوزار

أبني قشير إننى أدعوكم

للحق قبل ضلالة وخسار

فودوا الجياد لتصر آل محمد

ليكون سهمكم مع الأنصار

كونوا لهم جننا وذودا عنهم

أشباع كل منافق جبار

وتقدموا في سهمكم من هاشم

خير البرية فى كتاب البارى

بهم اهتديتم فاكفروا إن شئتم

وهم الخيار وهم بنو الأخيار<sup>۲۴</sup>

و در قصیده دیگری که آن را نیز در ثنای امام حسین (ع) و کسانی که از بنی هاشم در جانبداری از او شهید شدند سروده است از «بنی فاطمه = فرزندان فاطمه» یاد می کند که در دشت کربلا به شهادت رسیدند و کشتگان آنها را «الفئة الظالمة = گروه

۲۱. شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۶۱.

۲۲. دیوان ابی الاسود الدؤلی، ص ۴۰۸.

۲۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲۴. دیوان ابی الاسود الدؤلی، ص ۱۵۸ و ۲۹۸-۲۹۹.



پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

پژوهش‌های علمی و ادبی

- اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، دارالتعارف، بیروت، ۱۳۹۷ق.
۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۰. شبّر، جواد، ادب الطف أو شعراء الحسین (ع)، چاپ اول، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م.
۱۱. شبستری، عبدالحسین، مشاهیر شعراء الشیعه، چاپ اول، المكتبة الأدبیة المختصة، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۲. صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، منشورات الاعلمی، تهران، بی تا.
۱۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، چاپ اول، مكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م.
۱۴. مرزبانی، ابو عبدالله محمد بن عمران، أخبار شعراء الشیعة، تحقیق محمد هادی امینی، چاپ دوم، شركة الکتبی للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
۱۵. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م.
۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بغدادی، الجمل، تحقیق سید علی میرشریفی، چاپ دوم، مكتب الإعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، چاپ اول، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۱۸. هلالی، جعفر، معجم شعراء الحسین (ع)، چاپ اول، مؤسسة ام القری، بیروت، ۱۴۲۱ق.

ستمگر می خواند و به مخاطبش می گوید که اگر تو به راستی در فهم و درک کتاب خدا، قرآن، راسخ و آگاه باشی خواهی فهمید که لعنت و نفرین خدا پیش از همه آنها (کشندگان امام حسین (ع)) را در بر می گیرد و این نفرین و لعنت درباره آنها حتمی و تخلف ناپذیر است. ۲۵ و اضافه می کند که جان خودم را سپر بلای اهل بیت خواهم ساخت و به سرزنش هیچ سرزنش کننده ای گوش نخواهم کرد و ... ۲۶

قسمت زیادی از اشعار ابوالاسود را هجو ابن زیاد و آل زیاد تشکیل می دهد که با توجه به زمان سرودن اشعار که همزمان بود با روزهایی که ابن زیاد در اوج قدرت بود و همچنان به عراق حکم می راند بسیار با اهمیت است و بیانگر اعتقاد راسخ ابوالاسود در مهرورزی به آل علی (ع) و حاکی از شجاعت او است. ۲۷

#### کتابنامه ابوالاسود

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب، انتشارات علامه، قم، بی تا.
۲. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الشعر والشعراء، دارالثقافة، بیروت، بی تا.
۳. ابوالاسود دؤلی، ظالم بن عمرو، دیوان ابی الاسود الدؤلی، تحقیق محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، مؤسسة ایف للطباعة والتصویر، بیروت، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
۴. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، به کوشش عبدعلی مهنا، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۵. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ترجمه محمدباقر ساعدی، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ش.
۶. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب والسنة والادب، چاپ پنجم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، چاپ

۲۵. همان، ص ۱۵۶-۱۵۷، ۲۹۶-۲۹۷.

۲۶. همان، ص ۱۵۷، ۲۹۶-۲۹۷، ۳۷۶، ۳۷۷.

۲۷. همان، ص ۶۲-۶۳، ۱۶۵، ۳۳۶ و ...؛ مرزبانی، اخبار شعراء الشیعه، ص ۳۱-۳۲.